



نماینده اسکار افغانستان، در سینماهای «هنر و تجربه»

نماینده اسکار افغانستان، از ۱۹ اسفندماه ۹۶ در سینماهای ایران اکران می‌شود. به گزارش ایسنا، فیلم سینمایی «رفتن» به کارگردانی نوید محمودی در سینماهای هنر و تجربه اکران خواهد شد. «رفتن» روایتگر داستان عشقی است که در پیچ‌وتاب رسیدن و نرسیدن، در غبار گم می‌شود؛ قصه عشقی که از همه چیز، غیر از معشوق، رنج می‌بیند. رفتن، قصه درد است؛ درد خانه‌به‌دوشی، درد مهاجرت، رضا احمدی، فرشته حسینی، بهرنگ علوی، نازنین بیاتی، مسعود میرطاهری، سینا سهیلی، محفوظ محمودی، افشین اخلاقی، بشیر احمد نیکزاد، امیرحسین بابائیان، محمدامین صاحب‌زاده، کاظم عزیززاده و شمس لنگرودی، در این فیلم، نقش آفرینی کرده‌اند.



پایتوت

جایی برای حرف‌های خودمانی

پرداخت عیدی بازنشستگان از ۱۵ اسفند براساس حروف الفبا

ز، ژ، ص، ج، چ آغاز می‌شود، می‌توانند مستمري خود را در روز ۲۰ اسفند دریافت کنند. بازنشستگان و مستمري بگيراني که نام خانوادگی آنها با حروف پ، ت، ث، ب، ا آغاز می‌شود در تاریخ ۲۱ اسفند و افرادی که حرف آ در شروع نام خانوادگی آنهاست، روز ۲۲ اسفند عیدی‌شان واریز می‌شود. گفتنی است این زمان‌بندی ویژه بازنشستگان و مستمري بگيراني است که حقوق و مستمري ماهیانه خود را از بانک رفاه کارگران دریافت می‌کنند و عیدی مستمري بگيراني که بانکی غیر از بانک رفاه حقوق آنها را پرداخت می‌کند، در روز ۱۷ اسفند به حسابشان واریز می‌شود.

که حروف ط، خ، س، ظ، ر، ق آغازگر نام خانوادگی آنهاست، پرداخت خواهد شد. بازنشستگان و مستمري بگيراني که نام خانوادگی آنها با یکی از حروف ح، ف، ض،

و مستمري بگيراني که نام خانوادگی آنها با حروف گ، ل، و، ه، ی شروع می‌شود، روز ۱۷ اسفند به حسابشان واریز می‌شود. در روز ۱۹ اسفند ماه عیدی بازنشستگانی

سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد عیدی بازنشستگان و مستمري بگيراني این سازمان از ۱۵ تا ۲۲ اسفندماه براساس حروف الفبا پرداخت می‌شود. به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی، مجموع اعتبار اختصاص یافته برای عیدی بازنشستگان این سازمان، دو هزار و ۱۰۰ میلیون تومان است و زمانبندی پرداخت‌ها نیز طبق حروف الفبا و تاریخ دریافت مستمري انجام می‌شود. بر این اساس مستمري بگيراني که نام خانوادگی آنها با حروف غ، ذ، ن، م آغاز می‌شود، عیدی خود را روز ۱۵ اسفندماه دریافت می‌کنند. عیدی مستمري بگيراني که نام خانوادگی‌شان با حروف ک، د، ش، ع شروع می‌شود، ۱۶ اسفندماه پرداخت می‌شود. همچنین عیدی آن دسته از بازنشستگان

حرف اول نام خانوادگی	تاریخ دریافت عیدی
غ-ذ-ن-م	۱۵ اسفند
ک-د-ش-ع	۱۶ اسفند
گ-ل-و-ه-ی	۱۷ اسفند
ط-خ-س-ظ-ر-ق	۱۹ اسفند
ح-ف-ض-ژ-ز-ص-ج-چ	۲۰ اسفند
پ-ت-ث-ب-ا	۲۱ اسفند
آ	۲۲ اسفند

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

دهه‌شصتی‌ها چرا دلخور شدند؟

جهانگیری، فقط تبعات اون تصمیم‌گیری غلط رو در مورد افزایش جمعیت گفته» صحبت‌های معاون اول، هم‌زمان با پخش برنامه دورهمی و حضور وزیر دهه‌شصتی ارتباطات در این برنامه بود. گرچه همه می‌دانند که این برنامه، از قبل ضبط می‌شود اما این هم‌زمانی هم حرف و حدیث به وجود آورد. وزیر جوان گفت دهه‌شصتی‌ها، گرچه نسل سوخته‌اند، اما پخته هم شده‌اند. کاربری در این مورد می‌نویسد: «به نظر ضبط برنامه دورهمی امشب، خیلی قبل‌تر از صحبت‌های جهانگیری درباره دهه‌شصتی‌ها بوده. بعیده حرفای جهانگیری، بی‌ارتباط با کلیه‌ها امشب دورهمی یعنی دهه‌شصت -اون هم با حضور یک وزیر (دهه‌شصتی)- باشه. در هر صورت، به نظر آذری جهرمی، در آینده نه‌چندان دور، مهره تعیین‌کننده‌ای در روند سیاسی کشور باشه.» خیلی‌ها هم گفته بودند که تنها انتخاب جملات، اشکال داشته و توهینی در کار نبوده: «من هر چی گوش می‌کنم، متوجه توهین جهانگیری به دهه‌شصتی‌ها نمیشم. میگه انفجار جمعیت رخ داده توی این دهه. البته انتخاب کلماتش، خوب نیست ولی کلا این جور نیست که بگه چرا به دنیا اومدین؟»

شد، امروز به دهه‌هفتادها میشه.» کاربر دیگری می‌نویسد: «به روز خواهرم به متن در مورد بچه‌های متولد دهه‌های مختلف رو می‌خوند، رسیده به دهه‌شصت؛ گفت اینارو کاری شون نداشته باشین، اینا خیلی مظلوم‌اند. اون موقع به حرفاش خندیدیم اما امروز با حرفای جناب جهانگیری فهمیدم که دهه‌شصتی‌ها واقعا مظلوم‌اند.» بعضی هم شوخی و جدی را قاطی کرده و به آقای معاون اول، تیکه انداخته‌اند: «بنده از همین تربیون استفاده می‌کنم و از آقای جهانگیری بابت اینکه توی دهه‌شصت و در ایران به دنیا اومدیم، عذرخواهی می‌کنم.» این کاربر هم تیر آخر را پرتاب کرده: «یک دهه‌شصتی خوب، یک دهه‌شصتی مرده است؛ نه مشکل مسکن ایجاد می‌کنه، نه کار می‌خواد، نه ازدواج، نه دانشگاه.» کاربران زیادی هم سعی کرده‌اند توضیح دهند که از حرف‌های او، سوء برداشت شده: «انتهای سطحی‌نگری که از جهانگیری شاک می‌شود نتیجه بگیریم حرفاش توهین به دهه‌شصتی‌ها بوده. اتفاقاً از یک حقیقت، صحبت کرده و هشدار داده نباید این اتفاق تکرار بشه و دوباره با سیاست‌های نسنجیده، موج افزایش جمعیتی داشته باشیم. ما دهه‌شصتی‌ها، از تحصیل تا اشتغال، هر جا رسیدیم با بحران مواجه شدیم.» کاربر دیگری گفت: «با اندکی دوراندیشی و درک کلان مدیریتی، می‌شد فهمید که اون انفجار جمعیت دهه‌شصت، مشکل‌زا و بحران‌آفرین هست.



«امر خیر»

یک تیر و دو نشان خیریه کتاب

چهارسال پیش، ایده‌ای به ذهن جمعی از نویسندگان رسید تا با یک تیر، دو نشان بزنند. آنها که از یک سو دغدغه ترویج کتابخوانی داشتند و از سوی دیگر، دغدغه معیشتی اقشار آسیب‌پذیر جامعه آزارشان می‌داد، تصمیم گرفتند در یکی از روزهای اسفند -به مناسبت اول مارس، روز جهانی کتاب- مراسم خیریه‌ای برگزار کنند تا با فروش کتاب‌های خود، سهم‌شان را از عواید فروش کتاب‌ها به یکی از خیریه‌ها ببخشند. چند ناشر هم از این ایده استقبال کردند تا اجرای این طرح، رنگ واقعیت به خود بگیرد و «خیریه اسفندگان کتاب» متولد شود.

در واقع، خیریه اسفندگان، هر سال در یکی از روزهای اسفند، با همکاری جمعی از نویسندگان نامدار معاصر، با حضور اهالی فرهنگ و ادب به میزبانی یک کتابفروشی برگزار می‌شود و کلیه درآمد حاصل از فروش، به یک خیریه سپرده می‌شود تا در آستانه نوروز، سهمی در رفع نابرابری‌های اجتماعی داشته باشند.

به همین ترتیب اولین و دومین خیریه اسفندگان در سال‌های پیش برگزار شد و در سومین تجربه این مراسم عصر پنج‌شنبه، ۱۰ اسفندماه -مصادف با روز جهانی کتاب- در فروشگاه کتابفروشی نشر ثالث، میزبان ۳۳ نویسنده از ۲۲ ناشر مختلف بود که بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب خود را در معرض فروش قرار دادند و آثار خود را برای مخاطبان امضا کردند.

آن‌طور که محمد حسینی -از برگزارکنندگان این برنامه- می‌گوید، اسفندگان کتاب، هر سال از یک موسسه خیریه حمایت می‌کند و درآمد فروش یک‌روزه خود را به آن خیریه اختصاص می‌دهد. عواید فروش برنامه امسال، به موسسه «مهروما» رسید که برای توانمندسازی زنان و کودکان آسیب‌دیده فعالیت می‌کند.

کار زیبای دیگر برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در این مراسم خیریه، خرید کتاب و هدیه آن به کتابخانه‌های مناطق محروم بود تا هم به خیریه کمک کرده باشند و هم به کتابخوانی مناطق محروم، خیر رسانده باشند.



«زیر پوست شهر» - ۱۳۰

نسرین ظهیری

چنارها، بی‌صدادرد می‌کشند

زن‌ها از کلینیک نزدیک چهارراه ولی عصر می‌آیند بیرون. کمی غمگین، کمی ترسیده، بیشتر کلافه. لحظه‌ای سرگردان خیابان ولی عصر می‌شوند؛ دو دل که بروند پایین یا بالا. ساکت می‌ایستند؛ سکوت عمیق. بی‌حرفی، نگاه‌شان را لرزان کرده. یکی از زن‌ها سر بالا می‌کند رو به آسمان. چنارهای خیابان، هنوز خواب‌اند، تک و توکی دارند از خواب زمستانی، هوشیار می‌شوند. زن، درخت‌ها را رو‌انداز می‌کند. چشم انداخته توی چشم چنارها. انگار اولین بار است که درخت‌ها را می‌بیند. سکوت را کنار می‌زند: «پرپسا باور می‌کنی این درخت‌ها سرطان گرفته باشن؟ سرطان سرخ؛ که انگار فقط چنارها رو مریض می‌کنه.» زن دوم، گیج و منگ، سر بر می‌گرداند سمت چنارها: «معلومه که باور نمی‌کنم. به خاطر من داری چرند میگی. می‌خواوی حواسم رو پرت کنی از بیماری مامانم. وگرنه کی دیده درخت سرطان بگیره؟» زن اولی می‌گوید: «نه به خدا؛ دروغ نمی‌گم. خبرش توی همه گروه‌ها هست. خود شهردار گفته که مجبور شده‌ان برای جایگزینی درختا، از اصفهان چنار بیارن.» زن دوم می‌ایستد کنار نزدیک‌ترین درخت پیر خیابان. درخت پیر، عجله دارد و شاخه‌هایش در آستانه رویش دوباره است و منتظر جوانه تازه. هر دو زن، دست می‌کشند روی پوست چرک چنار کهنه. زن دوم، چشم‌هایش بریشان شده و نگاهش از درخت می‌رود بالا. نگاهش آن بالا. میان لانه تک‌پرنده‌ای گیر می‌کند: «واقعا اینا سرطان دارن؟ مثل مامان من، سلولای بدن شون داره با سرطان می‌جنگه؟ یعنی درد هم دارن این زبون‌بسته‌ها؟» زن اول، دست می‌گذارد روی دست‌های زن دوم که روی درخت مانده: «درخت‌ها هم لابد درد دارن، اما بی‌زبون. تنه‌ای درد می‌کشن. نگاه کن! شاخه‌ها شون، زنده‌اند؛ شیره، کم‌کم داره جریان پیدا می‌کنه. دست بکش! سرشاخه‌ها تازه‌شدن. انگار درخت، بی‌خیال سرطان و مریضی شده و قصد نداره حالا حالا خشک شه.» زن‌ها صورت می‌گذارند روی صورت درخت؛ درخت را بغل می‌کنند و می‌روند. زن دوم، می‌گوید: «اگه درختا از پیش بر میان، پس آدما هم می‌تونن. مامان من هم می‌تونه از پیش بریاد. بالاخره درختا، مادرای اصلی ما هستن.» زن‌ها دور می‌شوند. درخت‌ها، ساکت، درد می‌کشند.

ماهانامه تحلیلی حوزه رفاه و تامین اجتماعی
www.ghalamrorefah.ir